

تکوین سازمان‌های زنان ایران در عصر پهلوی دوم

زیبا قهرمانی^۱

علی اکبر خدری زاده^۲

مهدی گلجان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۵

چکیده

حضور زنان در جنبش مذهبی - ملی تنباکو و نهضت مشروطه، سرآغاز فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در دوره معاصر است. هرچند این حضور در ابتدای سلطنت رضاشاه به لحاظ تسلط نیروهای مذهبی و سنت‌گرا اندک تلقی می‌شد؛ ولی با اجرای سیاست‌های جدید از سوی رضاشاه و محمدرضاشاه پهلوی فعالیت آنان در قالب نهادها و سازمان‌های زنان انسجام بیشتری یافت و ابعاد وسیع‌تری به خود گرفت. در این دوره سازمان‌هایی از سوی زنان تأسیس و روزنامه‌هایی به چاپ رسید. اغلب بنیان از زنان تحصیل کرده‌ای بودند که بیشترین تلاش آنها در ابتدا بهبود وضعیت زندگی، آموزشی و بهداشتی بانوان و سپس رفع نابرابری حقوقی و کسب حق رأی برای زنان بوده است. برخی از این تشکلهای در جهت تأمین منافع دولت و برخی نیز در راستای برآورده ساختن نیازهای حزب و یا جمعیتی خاص گام برداشته‌اند که بر حوادث آن دوره تأثیر گذارده‌اند. چگونگی شکل‌گیری و نحوه فعالیت نهادها و سازمان‌های زنان در عصر پهلوی دوم و ارتباط آنها با حکومت مسئله‌ای است که در این پژوهش بدان پرداخته شده است. این مقاله در چارچوب مطالعه تاریخی و به روش توصیفی - تحلیلی است و علاوه بر کتب تاریخی، از روزنامه‌ها و اسناد نیز بهره گرفته شده است.

واژگان کلیدی: پهلوی دوم، سازمان زنان، جمعیت زنان، حق رأی زنان.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ (ایران دوره ی اسلامی)، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Star47370@gmail.com

^۲ استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Khedrizadeh@yahoo.com

^۳ استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران m.goljan12@gmail.com

همگام با دوره مشروطه در ایران، انجمن‌های سرّی و نیمه‌سرّی بسیاری به‌وجود آمدند. در این دوران انجمن‌های زنان نیز به‌طور مخفیانه شکل گرفتند و در جنبش مشروطه شرکت جستند. هرچند حضور زنان در حرکت‌های مشروطه‌خواهی، نشان از خروج آنان از «پرده حرم» و کشیده شدن به صحنه اجتماع بود، ولی این حضور در جهت تأمین منافع زنان نبود. در واقع اولین گام‌های جدّی برای ایجاد تغییر در وضعیت زنان در زمان رضاشاه برداشته شد. هنگامی که وی به اجرای سیاست‌های جدید خود پرداخت؛ ضمن تضعیف نیروهای سنت‌گرا و مذهبی، محدودیت‌های زنان برای حضور در اجتماع نیز سست شد و زمینه فعالیت بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی فراهم گردید. (کسروی، ۱۳۶۹: ۹۷)

ویژگی‌های شخصی رضاشاه در زمینه خودکامگی و خودرأیی وی، مجالی به زنان برای دستیابی به حق رأی و مناصب عمومی و همچنین تأسیس سازمان‌های مستقل سیاسی زنان جهت دفاع از حقوق خویش تا پایان دوره پهلوی اول نمی‌داد؛ ولی نیاز حکومت به سازمان‌هایی که زمینه را برای تحقق طرح‌های دگرگون‌سازی فرهنگی فراهم کند، موجب شد تا اوایل ۱۳۱۴ش، به دعوت وزیر وقت -علی‌اصغر حکمت- زنان تجددطلب جمعیتی را به‌وجود آورند که بعدها با عنوان «کانون بانوان» شهرت یافت. «کانون بانوان» با کمک وزارت فرهنگ، در طول حیات خویش با آموزش خیاطی و کارهای دستی و همچنین افتتاح دبستان، کتابخانه، زمین ورزشی برای بانوان و انجام سخنرانی‌های ماهانه توانست گام‌هایی در جهت بهبود وضعیت زنان بردارد (تهران مصور، جمعه ۸ فروردین ۱۳۳۱ش، ش ۴۵۰: ۶) ولی به دلایل مختلف نتوانست نقش چندان در تأثیرگذاری بر وقایع مربوط به زنان بازی کند. شاید این عدم موفقیت، به فعالیت کانون در چارچوب سیاست‌های حکومت رضاشاه مرتبط بود که با تشدید سیاست‌های استبدادی شاه، دامنه فعالیت آن همچون سایر مراکز و انجمن‌های زنان با محدودیت‌هایی روبرو شد. با فروپاشی ساختار سیاسی در شهریور ۱۳۲۰ش، و کناره‌گیری رضاشاه از سلطنت، فصل جدیدی به روی نهادها و سازمان‌هایی که پیش از این رو به محاق گذاشتند، گشوده شد و دوره تداوم و گسترش آنها آغاز گردید. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۷۹) در این زمان تشکل‌های زنان علاوه بر انجام فعالیت‌های مستقل به برقراری پیوندهای نزدیک با احزاب سیاسی کوشیدند و از طریق آنها به پیگیری اهداف خود پرداختند. به طور کلی در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ش، هم‌زمان با وجود آزادی‌های نسبی در جامعه، فعالیت‌های سیاسی زنان نیز اوج گرفت و در کنار آن انواع نشریات مربوط به زنان منتشر گردید. جوهره بیشتر این نشریات، تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی زنان و عدم گوشه‌نشینی آنان بود. در حوزه سیاسی نیز حق رأی مهمترین خواسته زنان محسوب می‌شد. در مقاله حاضر تلاش شده است چرایی شکل‌گیری سازمان‌های زنان و مهمترین اهداف و فعالیت‌های آنان بیان گردد. بدیهی است که هرکدام از این سازمان‌ها خود به تنهایی می‌توانند موضوع یک مقاله مجزا باشند.

چرایی شکل‌گیری سازمان‌ها و جمعیت‌های زنان در عصر پهلوی دوم

در دوره محمدرضاشاه پهلوی حکومت پهلوی دوران تثبیت خود را طی می‌کرد و به همین دلیل، تمام نیروهای مختلفی که حامی و همسو با سیاست‌های روز بودند، به خدمت گرفته شدند. در این دوره اندیشه حاکم بر اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، تربیت نوع جدیدی از طبقات غربگرا بود که به تدریج، به خدمت نهادها و سازمان‌هایی در می‌آمدند که در خدمت اجرای تغییرات در جامعه به فعالیت می‌پرداختند. از آنجا که در این طرح‌ها زنان نقش جدیدی را پذیرا شدند، انجمن‌های زنان ایران نیز به‌عنوان یکی از مبلغان و مجریان سیاست غربگرایانه، نقش مهمی را در این دوران بر عهده گرفت. هرچند محمدرضا شاه به خاطر الزامات ناشی از نوسازی جامعه، با ورود زنان به صحنه فعالیت‌های اجتماعی موافقت کرده بود، ولی به هیچ‌وجه حاضر نبود زنان را در صحنه سیاسی به صورت مشارکت‌کنندگان فعال و یا در مقام رهبری جامعه ببیند. به گفته نیکی کدی، «شاه با وجود اینکه هیچ احترام خاصی برای زن‌ها قائل نبود، بعضاً تحت فشار سازمان زنان همسانی که به وجود آورده بود، فکر می‌کرد که تشویق زن‌ها به اشتغال در نیروی کار مملکت می‌تواند در رشد اقتصادی ایران مؤثر باشد.» (کدی، ۱۳۶۹: ۳۵۴)

چرایی شکل‌گیری انجمن‌های زنان در خواسته‌های آنها نهفته است تلاش‌های احزاب زنان سبب تصویب قوانینی در مجلس شورای ملی گردید و شرایط زنان و حتی مردان را تغییری مثبت داد. در سال ۱۳۵۳ بنا بر تصویب قانون مدنی سن ازدواج دختران به ۱۸ سال تمام و پسران به ۲۰ سال تمام ارتقا یافت. حق اشتغال و آزادی بیان از دیگر دستاوردهای زنان بود که در پی مبارزات مدنی و تشکیل احزاب شکل گرفت. و زنان که در محاق مانده بودند را به بستر جامعه هدایت کردند.

حزب زنان ایران (شورای زنان)

در مرداد ۱۳۲۲ش، بود که گروهی ۴۰ نفره از زنان، پایه‌های تشکلی به نام «حزب زنان ایران» را پی‌ریزی کردند. (تهران مصور، جمعه ۸ فروردین ۱۳۳۱ش، ۴۵۰: ۶) پس از تشکیل حزب، چهره‌های برجسته‌ای نظیر «صدیقه دولت‌آبادی» (رئیس کانون بانوان و نماینده وزارت فرهنگ) و «فاطمه سیاح» (شخصیت اصلی حزب و دانشمندترین فرد گروه) به همراه «هاجر تربیت» و «صفیه فیروز» مأمور نوشتن اساسنامه آن شدند. مضامین اصلی اساسنامه حزب زنان، «بالا بردن سطح فرهنگ و دانش زنان» و به‌دست آوردن «حقوق اجتماعی و سیاسی» آنان بود. حزب در حالی که در شرایط بحرانی و پر آشوب سال‌های پس از جنگ جهانی دوم قرار داشت، به کارهای مفید و سودمندی دست زد و با بودجه خود شش دبستان بزرگسال برای آموزش زنان بی‌سواد تأسیس کرد. (اردلان، ۱۳۳۱: ۶) در ۱۳۲۲ش کمیسیون حقوقی حزب به سرپرستی «نزهت جهانگیر»، با تلاش فراوان از وزارت دادگستری اجازه رسیدگی به امور زنان زندانی را به‌دست آورد. (گلبن، ۱۳۵۴: ۴۸)

پس از گذشت بیش از یک‌سال از اولین نشست حزب به دعوت ترکیه، هیأتی از سوی «حزب زنان ایران» به این کشور اعزام گردید تا ضمن شناساندن زنان ایران به ملت ترک، موجب نزدیکی آنان به یکدیگر شود. (عالم زنان، دی ماه ۱۳۲۳، ش ۷: ۱۴) در این مجمع «فاطمه سیاح» و «هاجر تربیت» که از سوی دبیرخانه حزب اعزام شده بودند، (طبرانی، ۱۳۷۶: ۶۵) به سخنرانی پرداختند و موجب اعجاب حاضرین شدند. (اردلان، ۱۳۲۲: ۲۱)

در سال ۱۳۲۴ش نیز نمایندگانی از سوی حزب، برای شرکت در کنگره «زن و صلح» به پاریس فرستاده شدند. از این پس اغلب سالی یک‌بار از طرف حزب، نماینده‌ای به مجامع بین‌المللی زنان فرستاده می‌شد تا نام ایران را به گوش جهانیان برسانند. در این زمان با شهرتی که حزب به‌دست آورده بود، جمعیت‌ها و تشکل‌های دیگر زنان درصدد پیوستن به آن برآمدند. در هنگام ائتلاف «حزب زنان ایران» با سایر جمعیت‌ها، تصمیم مهمی در مورد نام آن از سوی مسئولین گرفته‌شد. به نظر می‌آمد «کلمه حزب ایجاب می‌کرد که روش سیاسی آن مشخص و معین باشد؛ در حالی که این جمعیت به سیاست‌های راست یا چپ هیچ‌گونه بستگی و علاقه‌ای نداشت و آرمانش بیداری زنان و رسیدن آنها به حقوق حقه خود بود. به این سبب نام آن از «حزب زنان ایران» به «شورای زنان» مبدل شد. (همان). با گذشت پنج سال از تأسیس «شورای زنان»، شاخه‌های دیگری در شهرها ایجاد شد. یکی از مهمترین آنها در شیراز به سرپرستی «نصرت‌الملوک کشمیری‌زاده» سردبیر نشریه «ندای ایران» بود. «شورای زنان فارس» در حالی کار خود را آغاز کرد که «دکتر محمد مصدق»، در حال عزیمت به شورای امنیت بود. سردبیر ندای وطن در حمایت از دولت وی در پیامی به اعضای شورای امنیت چنین نوشت:

«پیام زنان فارس به شورای امنیت: ملت ایران از دولت‌های آزادی که در شورای امنیت عضویت دارند انتظار دارد که جانب انگلستان را رها کرده و جانب صلح و حقیقت را نگاه دارند... ملت ایران از دولت‌های آزاد دعوت می‌کند که به خاطر حفظ صلح، بازوی دکتر مصدق را تقویت کنند...» (فوق‌العاده ندای ایران به مناسبت عزیمت پیشوا به شورای امنیت، ۱۳۳۰/۷/۱۴)

شاخه مرکزی «شورای زنان» در تهران، اگرچه در مسایل سیاسی گذشته خود تنها خواستار اعطای حق رأی به زنان بود؛ اما در سال‌های ملی شدن نفت به دفاع از دولت ملی دکتر مصدق پرداخت و هنگامی که در خرداد ۱۳۳۰ دولت، سخت‌درگیر مسئله خلعید و مذاکره با نمایندگان دولت انگلیس بود، با فرستادن پیامی به اتحادیه بین‌المللی زنان از نمایندگان بیش از ۵۰ کشور درخواست کرد که دعوی دولت ایران را به گوش دولت‌های خویش برسانند. سه ماه بعد نیز با انتشار بیانیه‌ای، ایرانیان را به پشتیبانی از دولت دکتر مصدق دعوت کرد. («بیانیه شورای زنان ایران»، ندای ایران، ۱۰ مهر ۱۳۳۰، ش ۹۷، ص ۱ و ۴)

اما این حمایت‌ها هنگام اصلاح قانون انتخابات در زمستان ۱۳۳۱ش، نتوانست دولت دکتر مصدق را مجاب‌کند که برای مشارکت زنان در صحنه سیاست اقدامی را صورت دهد. شاید درگیری دولت دکتر مصدق با مسائل و مشکلات و توطئه‌های داخلی و خارجی، عاملی بود تا این‌گونه اصلاحات ریشه‌ای به تعویق بیفتد و اعطای «حق رأی به زنان» تا مدت‌ها به ورطه فراموشی سپرده شود.

سازمان زنان ایران

پس از ترور نافرجام محمدرضا شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و انحلال حزب توده از سوی دولت، مراکز و کلوپ‌های حزب توده در تهران و سایر شهرها تعطیل و گروه زیادی از سران آن بازداشت شدند. (عاقلی، ۱۳۸۰: ۳۰۰). هرچند در ماه‌های آینده، دولت بسیاری از رهبران برجسته حزب توده را در دادگاه‌های نظامی محاکمه کرد، ولی با انتخاب «علی رزم‌آرا» در ۵ تیر ۱۳۲۹ ش، اوضاع به علت تمایل نخست‌وزیر جدید در برقراری مناسبات بهتر با شوروی تا حدودی برای رهبران زندانی توده‌ای بهبود یافت و سازماندهی گسترده حزب در ماه‌های آتی سرعت بیشتری گرفت. (اتحادیه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۱)

در این بین اعضای بازمانده تشکیلات دموکراتیک زنان، با تأسیس «سازمان زنان ایران» و انتشار ارگان سیاسی «جهان زنان»، فعالیت خود را از سرگرفت. هیأت مدیره سازمان از «هما هوشمند راد»، «مهمین روحی»، «ناهد ثمره»، «فرشته معیری»، «تفضلی» و «زندپور» تشکیل شد.

این سازمان زنان که از دوران مشروطیت پا به عرصه وجود نهاد، با هدف بالابردن دانش فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان ایران و آگاه کردن آنان به حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی گام برمی‌داشت. براساس ماده ۲ اساسنامه، سازمان زنان ایران برای تحقق بخشیدن به اهداف خویش روش‌های زیر را پیگیری می‌کرد:

الف: دفاع از حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان در جهت تأمین برابری کامل آنان در اجتماع و در برابر قانون.

ب: کوشش در راه تعمیم آموزش و پرورش زنان ایران به‌ویژه پیکار با بی‌سوادی و کمک به گسترش آموزش حرفه‌ای.

پ: تأمین شرکت گسترده زنان در نوسازی ملی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و هماهنگ کردن فعالیت‌های آنان در این زمینه‌ها.

ت: یاری‌رساندن به زنان در اجرای مسئولیت‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.

تبصره: سازمان زنان ایران، تأسیس و توسعه «مراکز رفاه خانواده» را به‌عنوان اساسی‌ترین وسیله‌های اجرای وظایف چهارگانه بالا، مورد توجه خاص قرار می‌دهد.

ث: ایجاد تفاهم، دوستی و همکاری میان زنان ایران و زنان کشورهای دیگر.

سازمان زنان ایران با گسترش فعالیت‌های خود در سه بخش دختران دبیرستانی و دانشگاهی، دبیران و آموزگاران مدارس و دبستان‌های دخترانه، برنامه خود را مبارزه در راه به‌دست آوردن استقلال ملی و حقوق زنان اعلام کرد. (اخبار سازمانی، جهان زنان، ۱۴ دی ۱۳۳۰، ش ۸: ۸) این سازمان با تأسیس «جمعیت ایرانی حمایت کودک»، از حقوق کودکان دفاع نمود و با برپایی گردهمایی هفتگی با حضور دختران جوان در محل سازمان و جذب نیروهای جوان به موفقیت بزرگی دست یافت. موفقیتی که موجب نگرانی برخی در مورد خطر نفوذ کمونیسم در میان زنان ایران شد و «به پدران و مادرانی که به سعادت دختران خود علاقمند بودند» (تهران مصور، ۱۵ فروردین ۱۳۳۱ ش، ش ۴۵۱: ۶) اعلام خطر گردید.

با فرارسیدن دی‌ماه ۱۳۳۰ ش، در حرکتی تازه «سازمان زنان ایران» به عده‌ای از رجال سیاسی، استادان دانشگاه‌ها و قضات عالی‌رتبه نامه‌ای نوشت و همکاری آنها را برای پیشرفت آرمان‌های سازمان زنان خواستار شد. («دعوت به همکاری با سازمان زنان» جهان زنان، جمعه ۲۷ دی ۱۳۳۱ ش / ۱۸ ژانویه ۱۹۵۲ م، ش ۱۰: ۶). این خواسته بلافاصله از سوی افراد برجسته‌ای نظیر «علی‌اکبر دهخدا»، «علی‌اصغر حکمت»، «لطف‌الله صورتگر»، «سردار فاخر حکمت»، «شهاب فردوس» و «جهانگیر تفضلی» مورد اجابت واقع شد و از بانوان برای حصول «به حقوق خود» حمایت گردید. («دعوت به همکاری با سازمان زنان» جهان زنان، ۵ بهمن ۱۳۳۱ ش، ش ۱۱: ۶ و جهان زنان، ۱۰ اسفند ۱۳۳۱، ش ۱۶: ۸)

در این دوره، سازمان مصرانه به دنبال کسب حق رأی برای زنان بود. هنگامی که اصلاح قانون انتخابات از سوی دکتر مصدق در سال ۱۳۳۱ مطرح شد، در نامه سرگشاده خطاب به نخست‌وزیر اعلام داشت: «جناب آقای دکتر مصدق، قانون اساسی کشورها برای قاطبه اهالی که از جمله زنان را نیز شامل می‌شود، حق دخالت در تعیین سرنوشت خود را قائل شده‌است. منشور ملل متفق و اعلامیه حقوق بشر که دولت ایران رسماً الحاق خود را به هر دوی آنها اعلام داشته‌است، با صراحت هرچه تمام‌تر برای زنان

حق شرکت در انتخابات را اعلام نموده است؛ و معیناً شما قانون اساسی، منشور ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر را پایمال کرده و زنان را از این حق مسلم و قانونی خود محروم نموده‌اید.» (نامه سرگشاده سازمان زنان ایران به آقای نخست‌وزیر، جهان زنان، جمعه ۵ دی ماه ۱۳۳۱ ش، ش ۵۶: ۱)

با تجمع زنان در محل کنفرانس عمومی و صدور قطعنامه‌ای «حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بار دیگر مطرح گردید و هیأتی از اعضای سازمان برای مراجعه به کمیسیون تجدیدنظر در قانون انتخابات برگزیده شد.» (جریان اولین کنفرانس عمومی زنان، جهان زنان، ۳۱ مرداد ۱۳۳۲ ش، ش ۳۸: ۲) اما نه تنها در طرح انتخاباتی دکتر مصدق، زنان همچنان از حق رأی محروم بودند، بلکه در روزهای پایانی دولت ملی، هنگامی که نخست‌وزیر انحلال مجلس هفدهم را به فرمانده گذاشت، باز هم تلاش سازمان زنان برای شرکت در این نظرخواهی عمومی، بی‌ثمر واقع شد. و چند روز بعد با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوب شدید حزب توده، «سازمان زنان ایران» منحل شد و برای همیشه به کار خود خاتمه داد.

سازمان زنان در راستای اهداف خویش و تکوین سازمان‌های زنان اقدامات زیادی انجام داد. «جهان زنان» ارگان رسمی سازمان زنان ایران، با آغاز فعالیت خود در ۱۳۲۹ ش، بیش از دو سال در زمینه سیاسی و ضمن شرح اندیشه‌ها و اهداف سازمان، به بیان جنایات آمریکا، زندگی زنان و کودکان دنیا و... پرداخت. (نمونه جنایات آمریکا در کره»، جهان زنان، جمعه ۷ شهریور ۱۳۳۱، ش ۳۹: ۱) این نشریه با شرح مبارزات زنان در دیگر کشورها به ویژه شرایط خوب آنها در حکومت‌های توده‌ای، زنان را به مبارزه برای دستیابی به حقوق خود دعوت می‌کرد. هیأت تحریریه «جهان زنان» با اعتقاد بر اینکه یکی از محرومیت‌های اساسی زنان، ناآگاهی آنان از حقوق خود است، با اختصاص ستونی از نشریه تحت عنوان «مادران ایران حقوق خود را بشناسید» به شرح قوانین مربوط به زنان در قانون اساسی پرداخت. (اتحادیه و دیگران: ۱۳۹۰: ۱۹۴)

با نگاهی به اهداف ذکر شده درمی‌یابیم که برای سازمان زنان، تنها فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مدنظر بوده و جای فعالیت‌های سیاسی در آن، کاملاً خالی است. به عبارتی اعضای سازمان از شرکت در فعالیت‌های سیاسی منع شده بودند. البته این وضعیت همیشگی نبود، زیرا با تأسیس حزب رستاخیز در ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ ش، به دستور شاه در اساسنامه سازمان زنان، تغییراتی روی داد و وظیفه تازه‌ای برای سازمان تعیین گردید.

در سال ۱۳۵۵ ش هنگامی که «مهناز افخمی»، دبیر کل سازمان، به عنوان وزیر مشاور در امور زنان مشغول به کار شد؛ اساسنامه سازمان نیز اصلاح شد تا «آماده‌سازی و هماهنگ‌سازی زنان جهت مشارکت فعالانه در توسعه ملی ایران در محدوده‌های حزب رستاخیز» در آن گنجانده شود. وی در این مورد اعلام داشت که شعبه‌های سازمان زنان ایران در سراسر کشور، زنان را به شرکت در فعالیت‌های حزب رستاخیز تشویق می‌کند. بر این اساس در سال ۱۳۵۵ ش از ۵/۱۰۰/۰۰۰ عضو حزب ۱/۴۵۰/۰۰۰ نفر آنان را زنان تشکیل می‌دادند و ۲/۸۸۵ زن نامزدی خود را برای انتخابات «شورای دموکراتیک» که گمان می‌رفت پایه‌های مردمی حزب رستاخیز باشند، اعلام داشته بودند. (پایدار، ۱۹۹۴: ۱۵۰) درباره ساختار این سازمان تفاسیر بسیار دور از فهمی مطرح گشته است. برای نمونه مهناز افخمی در این باره می‌گوید: «اساسنامه سازمان تازه، جنبشی مردمی و سراسر ملی را مجسم می‌ساخت که مسئولانش می‌بایست از میان اعضاء در هر شعبه برگزیده می‌شدند. این مسئولان نیز به نوبه خود یک شورای مرکزی یازده نفری را برمی‌گزیدند که رهنمودها را ارائه کرده، اهداف را تعیین می‌کردند.»

حتی درباره ریاست اشرف پهلوی به این سازمان نیز روندی از پایین به بالا مطرح می‌گردد: «از اشرف پهلوی خواسته شد تا به عنوان رئیس افتخاری آن عمل نماید. هدف این بود که از حمایت وی جهت تأمین اهرم سیاسی سازمان و نبردش علیه عناصر فئاتیک (متعصب و واپس‌گرا) استفاده شود.»

برخلاف افخمی، نویسندگان مستقل، شرح دیگری درباره سازمان زنان ارائه می‌دهند؛ «پروین پایدار» معتقد است: سازمان زنان ایران به نهادی بسته، سلسله‌مراتبی و غیردموکراتیک بدل و دچار زوال و فساد ذاتی این گونه نهادها گردید. (همان) از نظر «افسانه نجم‌آبادی» هم، «یک سازمان زنان دولتی تشکیل گردید تا راه آزادسازی زنان را هموار سازد، این تحول به دوره‌ای از فعالیت‌های مستقل زنان پایان بخشید. با تأسیس «سازمان زنان ایران»، هم اهداف و هم فعالیت‌های زنان تابع دستورالعمل‌های صادره از بالا گردید؛ به ویژه بدین خاطر که به هیچ سازمان زنان مستقل دیگری، اجازه موجودیت داده نمی‌شد. (اتحادیه و دیگران: ۱۳۹۰: ۲۳۵)

در مورد اقدامات سازمان زنان ایران، باید گفت که بیشترین تأکید بر افزایش آموزش و تحصیلات زنان، فراهم کردن تسهیلات برای زنان جهت ورود آنان به بازار کار بود و البته همه این اقدامات در درون چارچوب ایدئولوژی «تمدن بزرگ» شاه صورت می‌گرفت. هرچند این سازمان تا نیمه سال ۱۹۷۸م/ ۱۳۵۷، یعنی ۱۲ سال پس از تأسیس به صورت شبکه‌ای با ۴۰۰ شعبه و ۱۱۵ مرکز و ۵۱ سازمان وابسته، شامل اقلیت‌های مذهبی، انجمن‌های حرفه‌ای و دیگر گروه‌های علایق ویژه رشد یافته بود، ولی آثار این اقدامات به هیچ‌وجه زنان روستایی را متأثر نساخت و حتی دامنه تأثیر آن میان زنان شهری نیز محدود به برخی اقشار خاص بود. البته لازم به ذکر است که نباید تصور شود که حضور این سازمان، هیچ تأثیری در وضعیت زنان ایرانی باقی نگذارد؛ بلکه همانند دیگر سازمان‌های رسمی، «سازمان زنان ایران» هویت و فرهنگ خاص خویش را پدیدار ساخت و بسیاری از زنان وفاداری که در آن فعال بودند به راستی به مسأله انقیاد زنان علاقمند شدند و از دهه ۱۳۲۰ش، برای حقوق زنان مبارزه می‌کردند. (پایدار، ۱۹۹۴: ۱۵۰)

با این حال آنچه که این سازمان را از کارآمدی باز داشت، ایستارهای زن‌ستیزانه شاه و عدم اعتقاد قلبی و راستین وی به تغییر و اصلاح وضعیت زنان، ساختار پدرسالارانه حکومت پهلوی، ترکیب رهبری سازمان از افراد بدنام همچون اشرف پهلوی بود که به اعتبار و مشروعیت آن آسیبی جدی وارد آورد و سازمان زنان به یکی از نهادهایی تبدیل شد که اساساً وظیفه اعمال و توجیه سیاست‌های جنسیتی رژیم پهلوی را برعهده داشت. (اتحادیه و دیگران: ۱۳۹۰: ۲۴۱)

جمعیت زنان ایران

پایه‌های «جمعیت زنان ایران» زمانی شکل گرفت که در مهرماه ۱۳۳۰، گروهی از زنان با هدف کمک و حمایت از بینوایان و دستگیری درماندگان در کودکستانی گرد هم آمدند و با تنظیم مرامنامه‌ای به شرح اهداف ذیل پرداختند:

۱. جمعیت زنان ملت ایران به هیچ دسته و حزبی بستگی نداشته و ندارد و عموم زنان ایران می‌توانند عضو این جمعیت شوند.

۲. جمعیت طرفدار حکومت‌های ملی است.

۳. جمعیت طرفدار صلح غیرقابل تنظیم جهانی و صلحی است که آزادی و بقاء دنیا را تضمین کند.

۴. جمعیت زنان ایران فقط به منظور گرفتن حقوق زنان و کمک به زنان و اطفال ایرانی تشکیل شده است.

با حضور افرادی چون «خانم شهاب» به عنوان رئیس، «خانم سهیلی» معاون، «خانم خسروی» منشی، «خانم بقایی» امور مختلفه، «خانم شریعتمدار» مسئول امور تبلیغات، «خانم کاشانی» و «خانم نوایی» عضو علی‌البدل و مسئول امور خیریه، «جمعیت زنان ملت ایران» رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. («جمعیت زنان ایران»، تهران مصور، ۲۳ اسفند ۱۳۳۰، ش ۴۴۸: ۶)

با گذشت چند ماه از تشکیل جمعیت زنان، دولت دکتر مصدق در دی‌ماه ۱۳۳۰ش، برای کاستن از فشار اقتصادی و تحریم‌های رو به افزایش انگلستان، تعدادی اوراق قرضه ملی را منتشر ساخت. اعضای «جمعیت زنان ایران» برای کمک به خرید اوراق، داوطلب شدند. آنها با اجتماع در محوطه بانک ملی، در حالی که «با ایراد نطق‌های پرشور، مردم را به خرید اوراق قرضه ملی تشویق می‌کردند، اظهار داشتند که برای شرکت بیش از پیش در نهضت ملی، جواهرات و اشیای گران‌بهای خود را خواهند فروخت. («زنان شرافتمند هم در رستاخیز ملی شرکت کردند»، تهران مصور، ۲۰ دی ۱۳۳۰ش، ش ۴۳۹: ۲۲). نتیجه رضایت‌بخش بود، در پایان این روز سیصد و شصت هزار اوراق قرضه توسط این جمعیت خریداری شد و چند روز بعد نیز با تلاش اعضا، هشتصد هزار ریال دیگر از این اوراق به بازرگانان سازمان‌های ملی و مؤسسات دولتی فروخته شد. («جمعیت زنان ایران»، تهران مصور، ۲۳ اسفند ۱۳۳۰، ش ۴۴۸: ۸). این جمعیت با کمک بزرگی که به دولت دکتر مصدق نمود، ثابت کرد که از پرشورترین حامیان دولت ملی است.

زنان تروریست ایران

حضور زنان در گروهی که مبارزه و فعالیت خود را در چارچوب روش‌های مسلحانه و خرابکاری بنا کرده‌اند، زمانی آشکار می‌شود که نشریه «تهران مصور» خبر تشکیل گروهی از زنان در رشت را با هدف از بین بردن افراد فداییان اسلام، و گروهی دیگر در تهران به قصد از بین بردن اشیاء گران‌قیمت و تجملی (لوکس) انتشار داد و در معرفی این گروه نوشت: «... بر اثر تحقیقات مأمورین، این عملیات خرابکاری طبق یک نقشه دقیق و به‌دست عده‌ای از زنان که دارای سازمان مرتبی می‌باشند، انجام

می‌شود. تهران مصور در حالی که خبر از دیدار سردبیر با رهبر این گروه را می‌دهد («زنان تروریست ایران آغاز فعالیت کردند»، تهران مصور، ۹ اسفند ۱۳۳۰، ش ۴۴۶: ۷)، در معرفی اعضای آن می‌نویسد: ۴۳ زن در تهران و ۲۸ زن در شهرهای رشت، اصفهان و شیراز عضوی کمیته سرّی هستند. این تشکیلات، دارای یک هسته مرکزی مرکب از ۷ نفر گارد مسلح بانوان است که سرویس ترور کمیته محسوب می‌شوند و بخش دیگر، «سازمان اطلاعات» است که جهت تهیه اطلاعات سرویس ترور، فعالیت می‌کنند.

در مرام‌نامه ۵ ماده‌ای «زنان تروریست ایران»، تنها یک بند به آزادی کامل زنان و تساوی حقوق زن و مرد اختصاص داشت و بقیه به بقای کشور، تشکیل ایران سربلند و کوتاه کردن دست خائنین و ناپاکان مربوط می‌شد. بیانیه زنان تروریست با بیان این مطلب که «ما تصمیم داریم به شدیدترین وجهی با اجناس لوکس و اشیایی که موجب اسارت اقتصادی ایران است مبارزه کنیم»؛ اداره کل شهربانی را نگران ساخت و موجب شد تا بلافاصله تحقیقات گسترده‌ای در مورد آنها آغاز شود. پس از مدتی طبق صوابدید مسئولین، معین شد که «به وسیله اداره انتشارات و تعاون، مطلب مندرجه در مجله تهران مصور و سازمان تروریست زنان نیز در جراید تکذیب شود...» (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ش ۶۴۲ ... ۸۰۲/۲۹ والفوب ۱۳۳۰/۱۲/۱۹) تادرمجموعاینگروهیبهفراموشی سپرده‌شود.

حزب ذوالفقار

حزب ذوالفقار را می‌توان گروهی کوچک و موقتی دانست که در برهه‌ای حساس از تاریخ ایران، احتمالاً با تمایل و هزینه گروه‌های مخالف دولت ملی دکتر مصدق تکوین یافت. (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۰: ۲۶۴) رهبر این گروه «ملکه اعتضادی» که حزب خود را به نام ذوالفقار - در طرفداری از شاه - تأسیس کرد، تنها زن عضو حزب بود که کار سیاسی خود را در ۱۹ اسفند ۱۳۳۱ آغاز نمود. وی گرچه اظهار داشت که خواستار حقوق سیاسی زن ایرانی است، ولی در اساسنامه حزب، تنها «دفاع از حقوق شاه» وجود داشت.

این گروه در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، همراه با سایر گروه‌های اراذل و اوباش که از مدت‌ها پیش با تقسیم وجوهی مأمور تبلیغ علیه دکتر مصدق و حمایت از شاه شده بودند، با راهپیمایی گسترده در صبح روز کودتا به آشوب‌های خیابانی دامن زدند ... و هنگامی که دسته شعبان بی‌مخ به سوی میدان ارگ رهسپار بود، دسته ذوالفقار به رهبری «ملکه اعتضادی» و «رقیه آذادور» به همراه طرفدارانش از میدان گمرک و خیابان‌های شاه‌آباد، استانبول و نادری به دیگر گروه‌های مخالف دکتر مصدق در میدان ارگ پیوستند و موجبات ناامنی و سقوط دولت ملی را فراهم نمودند. با عادی شدن شرایط پس از مدتی، «حزب ذوالفقار» همچون «زنان تروریست ایران» از هم پاشید و اثری از آن باقی نماند. چون اعضای آن برای برآوردن هدفی زودگذر - یعنی حمایت از شاه در برابر دولت دکتر مصدق - گرد هم آمده بودند و با تغییر شرایط منحل شدند. (وطن‌دوست و دیگران، ۱۳۷۹: ۳۲)

انجمن‌های خیریه زنان

پیش از حکومت مشروطه و در همان آغاز حرکت‌های آزادیخواهان، جمعی از زنان تحصیل کرده، متمول و خیرخواه ارمنی گرد هم آمدند و دست به حرکتی جدید زدند که در نوع خود در ایران بی‌نظیر بود. تشکیل انجمن‌های خیریه زنان ارمنی را در سه دوره زمانی می‌توان بدین شرح بررسی کرد:

۱. دوره اول از ۱۹۰۵ تا ۱۹۲۱ م: در این دوره هیأت‌مدیره انجمن با برپایی مجالس جشن و پیک‌نیک، مسابقه و قرعه‌کشی، نمایش سیرک و جمع‌آوری هدایا به تقسیم عواید حاصله بین محصلین مدارس و افراد مستمند و یتیم پرداختند. «آناهید داویدیان» - همسر پیرم - که از جمله زنان عضو انجمن خیریه محسوب می‌شد در ۱۹۱۸ م/ ۱۳۳۲ ق، با اهدای خانه‌ای کوچک به انجمن، موجب شد تا اولین کودکان کدکستان ملی آرامنه برای استفاده عموم کودکان ارمنی بی‌بضاعت تأسیس شود.

۲. دوره دوم از ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۵ م: در دوره دوم به علت وقفه‌ای که به علت بروز جنگ جهانی اول روی داد، فعالیت‌های انجمن‌ها پس از ۹ سال در ۱۳ نوامبر ۱۳۰۸/۱۹۳۰ ش، بازگشایی شد. از مهمترین اقدامات اعضای این انجمن، همچون سایر انجمن‌ها و زنان ارمنی - که همانند وظیفه‌ای ملی برای آنان حائز اهمیت بود - رسیدگی به وضعیت آموزش زبان ارمنی برای کودکان ارمنی بود؛ زیرا سیاست‌های رضاشاه پیش از سفر به ترکیه در سال ۱۹۳۶ م، این بود

که کلیه مدارس ارامنه تعطیل شود. انجمن خیریه زنان ارمنی در این شرایط علاوه بر اهتمام به امر تدریس، به ایجاد کتابخانه مجهزی برای تأمین منابع مورد نیاز اقدام کرد.

۳. دوره سوم از ۱۹۷۵م تاکنون: در دوره سوم، تأسیس سرای سالمندان کماکان جزء برنامه‌های اساسی انجمن بود؛ لذا در سال ۱۹۷۵م تا ۱۳۵۳ ش، در خیابان بهار شیراز سرای سالمندانی به نام «سوسه ماریک» تأسیس شد که فعالیت آن تاکنون تحت نظارت انجمن و اداره بهزیستی استان تهران با دریافت هزینه‌ای مختصر ادامه دارد. (ملک‌زاده، ۱۶۷-۱۶۶)

فعالیت انجمن‌های خیریه ارامنه زنان و انجمن‌هایگین توسط زنان ارمنی، نشان می‌دهد که زنان ارمنی در تمام ادوار زندگی خود برای حفظ موقعیت قومی و ملی و بر پایه آموزه‌های دینی، شدیداً به حفظ موجودیت زن و مادر ارمنی دلبسته بودند. این توجه و دلبستگی، هم‌زمان با تعطیلی مدارس ارمنی‌زبان که در ۱۳۱۴ ش/۱۹۳۹ م، به دستور رضاشاه صورت گرفت، موجب شد تا ترس از دست رفتن زبان قومی و به دنبال آن خلأ ناشی تعطیلی کلاس‌های ارامنه به وجود آید. لذا برای مقابله با این ترس و خلأ، در کلوب ارامنه توسط دانش‌آموزان مدرسه نوربخش تهران، انجمنی به نام انجمن‌هایگین یا انجمن زنان ارمنی به وجود آمد. این انجمن که چند دهه از تأسیس آن می‌گذرد، تا کنون بیش از ۱۴ رئیس به خود دیده‌است و به دور از فعالیت‌های سیاسی به مسائل علمی، فرهنگی، اجتماعی می‌پردازد. (همان، ۱۶۹)

نتیجه‌گیری

با روی کار آمدن رضا خان و تأسیس سلسله پهلوی، انجمن زنان تحولات بسیاری را پذیرا شد. رضا شاه تنها راه تحول ایران را در اقتباس از الگوهای غربی می‌دانست و به لزوم مشارکت زنان در امور سیاسی اهمیت می‌داد و از نهادها و سازمانهایی برای رسیدن به این امر کمک گرفت که یکی از این نهادها، سازمانها و جمعیت‌های زنان بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ و کناره‌گیری اجباری رضاشاه از سلطنت، اغتشاش و عدم ثبات سیاسی و نبودن دولتی قوی باعث شد که فعالیت انجمن‌های زنان محدود شود. از آن جمله هدف اصلی بیشتر این سازمانها و انجمن‌ها گسترش آموزش در بین زنان و کسب حق رأی برای آنها بود. براساس یافته‌های پژوهش، هرچند تاریخچه تشکیل گروههای زنان به دوران مشروطه و سالهای پس از آن باز می‌گردد، اما این گروه‌ها هرگز چون دوران پهلوی دوم با ورود به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی به دفاع از حقوق و خواسته‌های خود نپرداخته‌اند. زنان ایران با بهره‌گیری از آزادی‌های نسبی در سالهای ۱۳۳۰-۱۳۲۰ ش، برای رسیدن به حق خود، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف تشکیل دادند. برخی از این گروه‌ها همچون «جمعیت زنان ایران» و «سازمان زنان ایران» دارای نظم و سازمان حزبی بودند و اهدافی چون دفاع از دولت ملی و یا انتقاد از دولت در راستای سیاستهای حزب توده را دنبال می‌کردند و برخی هم، نظیر حزب «ذوالفقار» و «زنان تروریست ایران» با ایجاد آشوب و ناامنی برای رسیدن به اهداف خود گام برمی‌داشتند. در میان خواسته‌های مطرح‌شده نهادها و سازمان‌های زنان، «حق انتخاب کردن و انتخاب شدن» از مهمترین آنها بود که علی‌رغم تلاش بانوان، دستیابی به آن تا سال ۱۳۴۱ ش، با تأخیر همراه شد.

تشکل‌های زنان جدا از میزان تأثیرگذاری و صرفنظر از اقداماتی که برای رسیدن به اهدافشان انجام دادند، بعضاً تأثیرات مثبتی در ذهنیت جامعه در زمینه شایستگی و صلاحیت زنان برای انجام کارهای سیاسی و پذیرش مناسب عمومی بر جای گذاشتند. بسیاری از این گروه‌ها با ایجاد مدارس دخترانه، برگزاری کلاسهای اکابر، راه اندازی مؤسسات خیریه و انتشار نشریات مربوط به زنان، موفق به تربیت فکری و اخلاقی بانوان شدند و ضمن بهبود وضعیت زنان، آنان را با حقوق خود آشنا نمودند.

پیش بینی برنامه های اجرایی سازمان زنان ایران در طول برنامه چهارم عمرانی

کشمور

۱ - هدفهای کلیسی

هدفهای سازمان زنان ایران بشرح زیراست :

الف - ترفیح مقام زن در ایران و ارتقاء سطح فرهنگی واجتماعی واقتصادی زنان وآشنا

کردن آنان بحقوق وتكاليف اجتماعى خود .

ب - یاری زنان ایرانی در اجرای مسئولیتهای اجتماعی خود و همچنین ایفای نقش مهمی

که بعنوان همسر و مادر در خانواده متحول ایران بعهده دارند .

پ - هماهنگ کردن فعالیتهای دسته جمعی زنان در زمینه های مختلف اقتصادی و -

اجتماعی ومشارکت دادن زنان در کوششهای عمومی در راترقی وتعالی اجتماعی ایران بخصوص

از طریق تعلیم وترتیب ومبارزه با بیسوادى و فعالیتهای فرهنگی دیگر .

ت - ایجاد تفاهم وبرقراری مناسبات متقابل میان زنان ایران وزنان سایرکشورها

۲ - راههای نیی بهیسدف

برای رسیدن بهدفهای فوق برنامه های زیرمورد اجرا گذاشته خواهند شد :

الف - اقدامات مربوط بمبارزه با بیسوادى زنان .

ب - آموزش اجتماعی شامل اطلاعات : حقوقی - بهداشتی - خانه داری - بچه داری

تمدن وعنری و فعالیتهای عمرانی مملکت بمنظور بالابردن سطح فرهنگی واجتماعی زنان از طریق

نشريات - رادیو - تلویزیون وسخنرانیها - کنفرانسها و سمینارها .

پ - فعالیتهای مشورتی وعدایتی جهت حل مسائل خانوادگی واجتماعی زنان .

ت - فعالیتهای اقتصادی بمنظور بالابردن سطح درآمد خانواده از طریق تعلیمات حرفهای

وايجاد کارگاههای دوازشی (آموزشی - تولیدی) ومازاريای جهت فروش محصولات وتشکیل

شرکتهاى تعاونی زنان بدین منظور .

ث - ایجاد مراکزى جهت نگهداری روزانه کودکان خردسال زنان کارگروخانواده همهای

کم درآمد پراولاد .

ج - ایجاد مراکز جهت نگهداری از اطفالی که موقتا " بی سرپرست میمانند بعلمت بیماری مادرویا مادرویدر عمر د و - ویا زندانی شدن مادرویا مثال آن • برای این فعالیت میتوان از خانواد ه های د ا وطلب نیزاست فاده نمود •

ج - ایجاد مراکز بنام " مراکز توانایی زنان " جهت تعلیمات لازم بزنان ولگرد - مادران تنهاوزنان متکدی که به تنهایی قادر به اداره امور خود نیستند واحیاناً " موجب اتخاذ یک روش - ظالمانه وناروانسبت بکودکان خود میگردند ووضع آنان راهبچید ه ترمیکند •

ج - ایجاد مراکز چند وظیفه ای که کلیه کوششهای د سته جمعی زنان را (چه بطور دا وطلب ویاغیر دا وطلب) هماهنگ نموده و در راه ترقی وتعالی کشور عمادنگ با برنامه ها وهدفهای عمرانی مملکت گام بردارد چنین مراکز ی باید کلیه اقدامات فرهنگ ی (بمعنای تمدن) - آموزشی (شامل مبارزه با بیسوادی) - بهداشتی واقتصادی وعمرانی رایکجا مورد توجه قرار د ه د •

خ - شناخت رعبیران محلی دره؛ اطق شهری وروستائی وآما د ه کردن آنان جهت شرکت در فعالیتهای عمرانی واجبرای هدفهای سازمان زنان •

د - برقراری سمینارهای منظم مملتی - منطقه ای و بین المللی بمنظور تبادل نظر بازنسان سایرکشورها در مورد اقداماتیکه توسط زنان در نقاط دیگر دنیا انجام میگردد ویا لایردن اطلاعات عموی وبرقراری تفاهم و همکاری های لازم - همچنین شرکت در این سمینار تا وکنفرانسها واجلاسیه های منطقه ای و جهانی •

ذ - برقراری دوره های منظم آموزشی جهت تربیت پرسنل مورد نیاز برای مناطق شهسری وروستائی به ترتیبی که بتوانند با تکنیک های علمی واصولی در راه رسیدن به هدفهای فوق انجام وظیفه نمایند •

۳ - سیاست کلی وخط مشی
=====

همگامی وعمادنگی اقدامات فوق باهدفنی وبرنامه های عمرانی کشور سیاست کلی سازمان زنان میباشد ویدین منظور اصول زیرخط مشی سازمان زنان راتشکیل مید ه د :

آیین نامه حق عضویت شعب سازمان زنان ایران

- ماده ۱- حق عضویت اعضا* شعب سازمان زنان منوط به امکانات و همت عالی اعضا* است . ولی حداقل حق عضویت سالانه بترتیب زیر تعیین گردیده است :
- (۱) - بانوان دارمند در سطح شهرستان و بخش ۱۰۰ ریال .
- (۲) - بانوان خانه دار در سطح شهرستان و بخش ۱۰۰ ریال .
- (۳) - دختران و زنان دانشجو (شامل سیهان انقلاب - هنرستانها - آموزشگاهها و مدارس حرفه ای) در سطح شهرستان و بخش ۳۰۰ ریال .
- (۴) - زنان کارگر در سطح شهرستان و بخش ۲۰۰ ریال .
- (۵) - زنان روستایی در سطح روستا ۲۰۰ ریال .
- ماده ۲- حق عضویت باید در یک نوبت وصول شود .
- ماده ۳- کارت عضویت سالانه باید بلافاصله پس از وصول وجه سالانه و طبق آیین نامه شعب صادر گردد .
- ماده ۴- در مقابل وصول هر وجه باید بلافاصله رسید داده شود و رقم دریافتی مربوطه ضبط گردد .
- ماده ۵- کلیه وجوه واصله باید بلافاصله به حساب سازمان زنان شعبه و یا روستا واریز گنجد .
- این آیین نامه در ماده ۵ و بند در جلسه مورخ ۱۹/۱/۴۹ شورای مرکزی بتصویب رسید . ی



سازمان زنان ایران

طبقات شغلی پستی‌های دبیرخانه سازمان زنان ایران

دبیره ۴	دبیرکل - معاون دبیرکل - مسئول واحد طرحها و بررسیها مسئول قسمت امور بین المللی - مسئول قسمت امور حقوقی
دبیره ۳	مسئول واحد روابط عمومی - مسئول قسمت امور شعب و جمعیتها مسئول قسمت امور رفاه خانواده و کودکان - مسئول قسمت امور فرهنگی - مسئول قسمت امور اداری و مالی - کارشناس حقوقی کارشناس فرهنگی - کارمند امور بین المللی - کارمند طرحها و بررسیها
دبیره ۲	متصدی حسابداری - مسئول امور عمومی - مسئول نشریات منشی دبیرکل - مددکار اجتماعی - متصدی امور شعب - متصدی امور جمعیتها - مسئول تشریفات - متصدی خدمات متصدی دفتر ماشین نویس
دبیره ۱	صند و قدار - بایگان - انباردار - راننده - نامه رسان - مسئول پلی کپی و استنسیل - خد متگزار - آینه‌دار

نشانی: انتهای خیابان قوام السلطنه - تلفن ۳۰۱۰۳ - صندوق پستی ۳۲۹۷

آیین نامه‌های مربوط به سازمان زنان ایران، ۲۷۵/۱۰۶۴

کتابنامه :

- اتحادیه، منصوره و دیگران (۱۳۹۰). **زن در تاریخ معاصر ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی** (مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی دانشگاه زنجان، اسفند ۱۳۸۳). تهران: کویر.
- آبراهامیان، پرواندا (۱۳۷۷). **ایران بین دو انقلاب** (درآمدی بر جامعه‌شناسی ایران معاصر). ج ۱۱. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی و دیگران. تهران: نی.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۷). **زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید**. تهران: ابن سینا.
- طیرانی، بهروز (۱۳۷۶). **احزاب سیاسی ایران**، ج ۲. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- عاقلی، باقر. **روزشمار تاریخ از مشروطیت تا انقلاب اسلامی**، ج ۱. تهران: گفتار.
- کدی، نیکو (۱۳۶۹). **ریشه‌های انقلاب ایران**. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: قلم.
- کسروی، احمد (۱۳۶۹). **تاریخ مشروطه ایران**. تهران: امیرکبیر.
- گلبن، محمد (۱۳۵۴). **نقد و سیاحت** مجموعه مقالات و تقریرات دکتر فاطمه سیاح. تهران: توس.
- مدیر شانه‌چی، محسن (۱۳۸۰). «**احزاب دولتی**» **تحولات سیاسی - اجتماعی ایران (۵۷-۱۳۳۰)**. به اهتمام مجتبی مقصدی با آثاری از علی‌اکبر امینی و دیگران. تهران: روزنه.
- ملک‌زاده، الهام، «نگاهی به انجمن‌های زنان ارمنی تهران در تاریخ معاصر»، **پژوهشنامه تاریخ**، دوره ۳، شماره ۹، ص ۱۷۳-۱۶۰.
- وطن‌دوست، غلامرضا (۱۳۷۹). با همکاری حسن زنگنه و رضا دهدشتی. **اسناد سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دکتر مصدق**. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

نشریات و اسناد:

اطلاعات، دوشنبه ۸ دی ۱۳۱۴ ش، ص ۱.

تهران مصور، «اعلام خطر به پدر و مادرائی که به سعادت دختران خود علاقمندند»، ش ۴۵۱. ۱۵ فروردین ۱۳۳۱ ش. ص ۶
 _____، «جمعیت زنان ایران»، ش ۴۴۸. ۲۳ اسفند ۱۳۳۰. ص ۶ و ۸
 _____، «زنان تروریست ایران آغاز فعالیت کردند»، ش ۴۴۶. ۹ اسفند ۱۳۳۰. ص ۷
 _____، «زنان شرافتمند هم در رستاخیز ملی شرکت کردند»، ش ۴۳۹. ۲۰ دی ۱۳۳۰. ص ۲۲
 _____، «جریان اولین کنفرانس عمومی زنان»، ش ۳۸. ۳۱ مرداد ۱۳۳۲. ص ۲
 _____، «دعوت به همکاری با سازمان زنان»، ش ۱۱. ۵ بهمن ۱۳۳۱. ص ۶
 _____، «دعوت به همکاری با سازمان زنان» ش ۱۰. جمعه ۲۷ دی ۱۳۳۱ ش / ۱۸ ژانویه ۱۹۵۲ م. ص ۶
 _____، «نامه سرگشاده سازمان زنان ایران به آقای نخست‌وزیر»، ش ۵۶. جمعه ۵ دی ماه ۱۳۳۱. ص ۱
 _____، «نمونه جنایات آمریکا در کره»، ش ۳۹. جمعه ۷ شهریور ۱۳۳۱. ص ۱
 _____، ش ۱۶. ۱۰ اسفند ۱۳۳۱. ص ۸

زبان زنان، ش ۱. س ۲۳. آذر ۱۳۲۱ ش / ۱۹۴۲ م. ص ۱

ظفردخت، اردلان، «تاریخچه نهضت بانوان ایران». تهران مصور. ش ۴۵۰. جمعه ۸ فروردین ۱۳۳۱. ص ۶
 عالم زنان، «مصاحبه با خانم دکتر فاطمه سیاح استاد دانشگاه تهران و خانم تربیت و رئیس دبیرستان نوربخش»، ش ۷. ۱۳۲۳. ص ۱۴
 کارنامه سازمان زنان ایران (انتشارات سازمان زنان ایران، اسفند ۲۵۳۶)، ماده ۷
 ندای ایران، «بیانیه شورای زنان ایران»، ش ۹۷. ۱۰ مهر ۱۳۳۰. ص ۱ و ۴
 فعالیت‌های سازمان زنان ایران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۲۲۰/۱۳۴۹۳
 آیین‌نامه‌های مربوط به سازمان زنان ایران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۲۷۵/۱۰۶۴
 منابع لاتین:

- Parvin Paidar, women and the political process in the twentieth century Iran, Cambridge university press, 1994.p.149.

The development of Iranian women's organizations in the second Pahlavi era

Abstract:

The presence of women in the national-religious tobacco movement and the constitutional movement is the beginning of women's activities in various social, cultural and political fields in the contemporary period. However, this presence at the beginning of Reza Shah's reign was considered small in terms of the dominance of religious and traditional forces; However, with the implementation of new policies by Reza Shah and Mohammad Reza Shah Pahlavi, their activities in the form of women's institutions and organizations became more cohesive and took on wider dimensions. During this period, women's organizations were established and newspapers were published. Most of the founders were educated women, whose greatest efforts were first to improve the living conditions, education and health of women, and then to eliminate legal inequality and the right to vote for women. Some of these organizations have taken steps to serve the interests of the government and some have taken steps to meet the needs of the party or a specific population that have influenced the events of that period. How the formation and activity of women's institutions and organizations in the second Pahlavi era and their relationship with the government is an issue that has been addressed in this

study. This article is in the framework of historical study and descriptive-analytical method and in addition to historical books, newspapers and documents have also been used.

Keywords: second Pahlavi, women's organizations, women population, women's suffrage.

